

سلام به «خور»

-۳-

● درباره شرکت ایران باریت در شماره فروردین یاد شد که «مردم اگر اندکی گل بخواهند باید به صدقه یا به بها بستانند» تکذیبی از مردم آنجا رسیده که نه به صدقه و نه به بها یک حبه هم گل نمی دهند که علی الرسم زمان های دیرین سر خود را بشویند .
دولت هم در آنجا نماینده نگماشته که مواظبت کند چه مقدار می برند البته مبلغی هم که برطبق مقررات موضوعه باید به انجمن محلی بدهند نمی دهند . مگر خداوند تعالی داد بندگان را بدهد !

● حاج محمد شایگان آموزگاری با فضیلت و دلسوز و خوش خط و با ادب است چون اکنون در دبستان های طهران کار می کند، هر کس گفته مرا اغراق می پندارد می تواند از وزارت آموزش و پرورش تصدیق بخواهد.

این آموزگار محترم مورد بی لطفی نماینده نائین واقع شد ، او را از خور راندند و اندک به طهران افشاد ، چند فرزند دارد که یکی از آنان در این نقل و انتقالات جان به جان آفرین سپرد ؛ اکنون خودش در طهران رنج می برد وزن و بچه هایش در خور بی سرپرست اند . زندگی در طهران برای يك آموزگار کم حقوق و بی خانمان و دهاتی چه دشواری ها که ندارد . کی مدعی است که و کیلان دراموری که مربوط به آنان نیست از دخالت نا بجا ممنوع اند ؟

● در کویر جندق و بیابانک شرکت نفت فرانسوی آزمایش هایی می کند و مؤسساتی به وجود آورده است .

ما مردم بیابانک از دکتر منوچهر اقبال خوشنودیم که بدین اقدام اساسی دست زده است ، اگر نتایج عملیات مثبت باشد - و حتماً هست - امید است نژاد آینده در آن منطقه زندگانی مرفهی بیابند .

● مادر را دل سوزد و دایه را دامن ؛ کار مردم را به خود مردم باید وا گذاشت . اگر استانداری اصفهان تشکیل انجمن محلی را در خور دستور دهد که شهرداری از خود انتخاب کنند از هر جهت به سود کشور و مردم است ، زیرا مردم محل به وضع محل آشنا ترند .
● هفته پیش از تقاضا نامه ای که بیش از یکصد امضا از معارف خور دارد و به جناب دکتر صدیق سنا توردان شمند تقدیم شده رونوشتی به دفتر مجله یفما فرستاده اند که بدین عبارت است :

د جناب آقای دکتر صدیق اعلم سنا تور معظم دامت عظمته
امضا کنندگان این عریضه ساکنین مرکز بخش خور هستند که آزمایش خود را در شاه دوستی مکرر به منصف ظهور رسانده و شعرای این بخش قصایدی در جشن های تولد



نخلستان «سلام آباد» - (در سمت راست محمد امینی شاعر)

شاهنشاه آریامهر و تاجگذاری در مدح و ثنای شاهنشاه و شهبانوی نیکوکار انشاء
نموده اند که اگر جمع آوری شود کتابی قطور خواهد شد .

و هم اکنون که در اقصی نقاط این کشور پهناور بر حسب اوامر جهان مطاع شاهانه
عطف توجه شده و از مزایای اولیه زندگی به بهره مندند جان نثاران هنوز آب نداریم
و باینودن این اصل مهم حیاتی به سختی زندگی می کنیم استدعای بذل توجه داریم
که مراتب بی آبی دعاگویان را بشرف عرض ملوکانه شاهنشاه آریامهر ارواحنا فداه
برسانند که با صدور اوامری مؤکد دعاگویان را از تشنگی رهایی بخشند . . .

● در حدود پانزده سال پیش، درستایش دکتر صدیق که افتخار شاگردی وی را در
دارالمعلمین عالی دارم، قطعه‌ای ساخته‌ام که مخصوصاً در همین شماره بچاپ می‌رسد. صله‌ای
که از آن جناب توقع دارم این است که در استدعای مشروع هم وطنانم نهایت اهتمام و محبت را
بکار برند، و بدانند که در پیشگاه پاک یزدان بی‌پاداش نخواهند ماند.

● با این که سخن‌ها دارم: چون بیم آن است که خوانندگان کسل شوند، یادداشت‌ها را
قطع می‌کنم و در پایان تصنیفی را که محمد امینی به زبان خوری ساخته می‌آورم مگر تبسمی
زاید. ترجمه تحت لفظی به ترتیب ابیات است اما تحقیق و تتبع با استادان زبان‌شناس.

ترجمه تصنیف خوری (صفحه بعد)

دختر کی می‌خواهد - ای خدا - دلم این گونه خمیر کرده‌ای تو گل مرا

عاشق فقیر و بی‌پولم توی کوچه‌ها بی‌خودی ول هستم

دختر کی می‌خواهد - ای خدا - دلم

مرده گیسوی بافته و موی توام عاشق گونه و روی توام

اگر خدا بخواهد شوهر توام همیشه خودم پیش توام

دختر کی می‌خواهد - ای خدا - دلم

یک کمی بیا بنشین بر من پستانت را در مشتم بگیرم

یک بسوس بده که می‌میرم این قدر مکن خون جگر مرا

دختر کی می‌خواهد - ای خدا - دلم

کافرند مگر پدر و مادرتو نمی‌گذارند بیایم به خانه تو

پادشاه توئی و من گدای تو قربانت بشوم، بلای تو . .

دختر کی می‌خواهد - ای خدا - دلم

درد دگنی دگنو ای خدا دلم
ترا مخلصی بزبان خودی
از نه خمیر کرده توه کلیم

عاشق فبیر و بی علم
تو کپه گوئی بی خودی دلم

درد دگنی دگنو ای خدا دلم

مژده حجاب و بیوتم
عاشق قلب و ریوتم

گر خدا بگوید شیوتم
همیشه نم ریوتم

درد دگنی دگنو ای خدا دلم

بی ریزه گویو بیوتم
کیرتیت تو تو صنه گم گم

بی بوتم بده که درم
گاه علوم انسانی ائمه علمه
تعالی جامع علوم انسانی

درد دگنی دگنو ای خدا دلم

گو وزن بگنه بی دای
نی بین بیام بسرای
پایسته تھی مون گدای
تو بوت لبم بلای

درد دگنی دگنو ای خدا دلم